دریچه

آموزش سگ‌های خانگی برای عملیات‌های نجات در حوادث

● **تسنیم:** اسماعیل اسکندری، سرپرست پایگاه‌های آنست (سگ‌های نجات) سازمان امداد و نجات جمعیت هلال‌احمر، درباره فعالیت‌های جدید برای آموزش سگ‌های خانگی با هدف به‌کارگیری این سگ‌ها برای عملیات‌های نجات در حوادث، اظهار کرد: در گذشته طرحی برای آموزش سگ‌های خانگی به‌عنوان سگ‌های زنده‌یاب داشتیم که ۵۰۰ نفر ثبت‌نام کردند که در سه مرحله مقدماتی، نمایشی و تخصصی دوره‌ها گذرانده شد؛ اما به‌دلیل پاره‌ای از مشکلات فقط ۱۰ سگ به مرحله تخصصی رسیدند. او با پرداختن به برخی از این مشکلات، توضیح داد: برای نمونه کسانی که سگ‌های خانگی خود را برای آموزش آورده بودند تصور می‌کردند که گرفتن آموزش از هلال‌احمر به معنای گرفتن مجوز برای تردد سگ‌هایشان است، در حالی‌که این‌گونه نیست. بنابراین در مرحله جدید آموزش سگ‌های خانگی، مشکلات دوره قبل برطرف و با قوانین و مقررات کامل‌تری فرایند آموزش سگ‌های خانگی برای به‌کارگیری آنها به‌عنوان سگ‌های زنده‌یاب در حوادث را خواهیم داشت. اسکندری با اشاره به این مقررات توضیح داد: از مهم‌ترین این قوانین این است که به‌هیچ‌عنوان سگ‌های کوچک معروف به «پاکوتاه» مورد آموزش قرار نمی‌گیرند و بیشتر سگ‌های نگهبان آموزش‌ها داده خواهند شد. همچنین صاحبان این سگ‌ها باید به قوانین هلال احمر که همان قوانین جمهوری اسلامی است، پایبند باشند. همچنین پس از آموزش این سگ‌ها، صاحب آن دیگر نمی‌تواند آن را بفروشد یا واگذار کند، همچنین به‌کارگیری این سگ‌ها در حوادث به‌صورت خصوصی امکان ندارد و باید طبق قوانین هلال احمر و با اجازه این نهاد باشد.

معاون اجتماعی و فرهنگی شهردار تهران:

مراکز بهاران جای متادونی‌ها نیست

● **شرق:** معاون اجتماعی و فرهنگی شهردار تهران با اشاره به انتقال خانم‌های «شفق» برای درمان متادون به کمپ، گفت: بهاران جای متادونی‌ها نیست و برای این منظور این افراد برای ترک متادون به کمپ منتقل شدند. میثم امرودی با اعلام تبدیل شفق به مرکز نگهداری مردان، افزود: هم‌اکنون هیچ زن معتاد متجاهری در شفق نیست و تاکنون ۴۰۰ نفر از معتادان مرد، به این مرکز منتقل شده‌اند. وی با اشاره به اینکه در واقع ۱۵۰ نفر از خانم‌هایی که در این مرکز بودند، متأسفانه با تدابیر ستاد مبارزه با مواد مخدر، در معرض درمان با متادون قرار گرفته بودند، تصریح کرد: درحال‌حاضر این خانم‌ها به دو کمپ که بهزیستی و ستاد مبارزه با مواد مخدر معرفی کرده‌اند با هزینه شهرداری تهران، انتقال داده شده‌اند. معاون امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران با تأکید بر امکان‌پذیرنبودن توزیع متادون در بهاران و ضرورت ترک متادون، افزود: انتقال به این دو کمپ، برای این بوده که خانم‌ها متادون را ترک کنند، چراکه برای انتقال به مراکز بهاران نباید به هیچ‌گونه موادی اعتیاد داشته باشند. او با اعلام به اینکه این مددجویان بعد از بهبود به مراکز بهاران انتقال می یابند، گفت: در مراکز بهاران با امکانات موجود، کارهای توانمندسازی روحی و روانی آنها انجام می‌شود. امرودی با اشاره به انتقال مددجویان رهایی‌یافته از اعتیاد با متادون به دو کمپ، گفت: این افراد برای ترک متادون به کمپ منتقل می‌شوند که هزینه یک دوره ترک متادون را شهرداری تهران بر عهده گرفته است. معاون اجتماعی و فرهنگی شهردار تهران، با بیان اینکه این کمپ برای ترک متادون مددجویان شفق اجاره شده است؛ هزینه نگهداری هر نفر در کمپ را ۴۰۰ هزار تومان اعلام کرد.

پوتین آمریکایی، سوغات زائران جوان ایرانی

مشتریان ایرانی «بازار آمریکایی» کربلا

معصومه اصغری: آدرس «بازار آمریکایی‌ها» را می‌گیرم. اصرار دارند که بازار آمریکایی‌ها نداریم؛ اما وقتی نشانی می‌دهی با یک هاااای بلند می‌گویند «بازار آمریکاییی» بعد پروسه تبادل زبانی فارسی- عربی شروع می‌شود تا کروکی خیابان و محل را بگویند. مسافران و البته زائران ایرانی عتبات عالیات در بازار آمریکایی بیشتر دنبال لباس و پوتین و تجهیزات نظامی منسوب به نظامیان آمریکایی هستند؛ چون این‌گونه تبلیغ و معروف شده که این کالاها کیفیت خوبی دارند و اصولا استفاده از آنها کلاس خاصی برای طیف خاصی از جوانان دارد.

عراق پس از حضور نظامیان آمریکایی تفاوت‌های زیادی را به خود دیده است که شاید یکی از کمترین آنها تغییر در سبک زندگی و نیازها و پوشش مردم آن باشد. عراقی‌ها که به دلیل فضای اعتقادی، به‌ویژه در شهرهای نجف و کربلا محدودیت‌های زیادی داشتند، حالا خیابانی به نام «شارع سناتور» دارند که یادآور حضور نیروهای آمریکایی در عراق و این شهرهای پرتلاطم است. برای رسیدن به خیابان سناتور سوار خودروهای مدل بالای تاکسی می‌شوم و از «سیطره» که محل امنیتی اطراف حرم است، خارج می‌شوم. گفته‌اند بازار آمریکایی‌ها در این خیابان است؛ اما وقتی وارد خیابان می‌شویم، راننده چند فروشگاه و پاساژ را با دست نشان می‌دهد و با زبان عربی خودش چیزی می‌گوید و انگار دارد می‌گوید کدام‌یک از این فروشگاه‌ها بهتر هستند و قیمت‌های خوبی دارند. فروشگاه‌ها بیشتر مربوط به لوازمی است که خانم‌ها نیاز دارند. لباس‌های بچگانه هم وجود دارد و بیشترشان مارک‌هایی تُرک هستند و نه اروپایی و آمریکایی، اما دست‌کم همین مدل‌ها در سایر فروشگاه‌ها نیست. شاید به‌همین‌دلیل است که این خیابان را به نام بازار آمریکایی‌ها بدل کرده است. مسئول پذیرش هتل محل اقامتمان قبلا گفته بود: «بازار آمریکایی برای ما که همیشه اینجا هستیم، بهتر است؛ چون حراج سالانه می‌گذارد یا در جشن کریسمس خیلی قیمت‌های خوبی دارد». این بازار آمریکایی در نجف و کربلا که فضای مذهبی کاملی دارند و حضور نیروهای آمریکایی و دیگر کشورها کمتر است، بیشتر مشهود است. فروشنده‌ها می‌گویند: «سال‌ها قبل که حضور نیروهای آمریکایی در این شهرها بیشتر بوده است، بسیاری از نیروهای آمریکایی در این خیابان تردد داشته‌اند و خریدها و رستوران و سایر نیازهایشان از اینجا بوده و حالا هم که دیگر نیستند، این خیابان با تبدیل فروشگاه‌ها به مراکزی لوکس، معروف به «بازار آمریکایی‌ها» شده است.

عراقی‌ها از زمان حضور مستمر کشورهای خارجی نسبت به خرید و فروش محصولات خارجی مورد توجه خودشان یا مهمانانشان تمایل دارند و در این سال‌ها بازارهای متعددی شکل گرفته و به نظرم «بازار آمریکایی‌ها» یکی از خاص‌ترین آنهاست؛ چراکه بدون حضور مشهود و واقعی، معروفیت زیادی دارد. زائران ایرانی، به‌ویژه جوانان بدشان نمی‌آید سری به این بازار در آنجا بزنند؛ اما بازار آمریکایی که در خیابان سناتور به من معرفی شد، لباس و پوتین و لوازم و تجهیزات نظامی آمریکایی نداشت و باز هم با سختی زیاد و پرس‌وجو با زبان عربی- فارسی فروشنده‌ها می‌گویند این خیابان آنجایی که من شنیده‌ام، نیست و آدرس جایی دیگر نزدیک حرم را می‌دهند. خودرو پلیسی که از او برای گرفتن تاکسی کمک می‌گیرم، می‌گوید باید بروید خیابان «شارع البرید» که منتهی به «شارع العباس» است.

در واقع یک اشتباه مصطلح و تجربه‌نشده درباره بازار آمریکایی وجود دارد و غیر از مسافران ایرانی، خود عراقی‌ها هم به خیابان سناتور و خیابان البرید «بازار آمریکایی» می‌گویند.

قبل از حضور در عراق درباره توجه و علاقه ورزشکاران و جوانان غیرورزشکار به لباس نظامیان آمریکایی و به‌ویژه پوتین و تجهیزات همراه سربازها شنیده بودم و چند نفری درباره این بازار سفارشی داده بودند. یکی از همسفران هم به محض ورود به کربلا گفت: «من که حتما بازار آمریکایی رو می‌رم، هرکی اومد با من بیاد تا تنها نباشیم».

تصور این بود که آنجا فضایی متفاوت دارد و نباید آنجا تنها بود و به‌همین‌دلیل خانم‌ها نباید تنها بروند؛ اما درواقع این‌طور نبود و پای من به خیابانی امن داخل سیطره و قبل از ورودی حرم حضرت ابوالفضل‌العباس(ع) رسید.

«البرید» خیابانی شلوغ بود که جز راسته فروش انواع لباس‌های نظامی عراقی و غیرعراقی، پر از غذاخوری و فروش تجهیزات تلفن همراه و پوشاک زنانه و مردانه و انواع کفش بود.

فروشندگان این لباس‌های نظامی در چند کوچه راسته‌ای داشتند که با توجه به شکل و شمایل لباس‌های نظامی جلوی مغازه، حضورشان کاملا مشهود بود.

هرکدام چرخ خیاطی جلوی مغازه داشتند و معلوم بود بسیاری از لباس‌های نظامیان عراقی که در شهر تردد داشتند، از همین‌جا تأمین می‌شود. فروشنده‌ها فارسی نمی‌دانند و اینجا هم با چند کلمه آشنا باید کل منظور را رساند. فروشنده به گمان اینکه مشتری عمده هستم، توضیحاتش را شروع می‌کند و انگار می‌گوید: «جنس را هر جایی بخواهید تحویل می‌دهیم» و بعد اسم چند شهر ایران را در میان جملاتش می‌فهمم.

بعد نمونه لباس‌ها را می‌آورد و می‌خواهد به آنها دست بزنم تا کیفیتش را تشخیص بدهم که چقدر محکم و خوب هستند. یکی دیگر از فروشنده‌ها با همان زبان دست‌وپاشکسته می‌پرسد: «از کدام مرز می‌خواهید جنس را رد کنید؟» بعد کارتش را می‌دهد و شماره اختصاصی خودش در ایران را هم پشتش می‌نویسد.

یکی دیگر از مغازه‌ها می‌گوید جنس‌های او و بقیه، همه چینی است و فکر می‌کنم با اشاره و دست‌هایش می‌خواهد بفهماند که «نباید گول فروشنده‌ها را خورد». بعد می‌رود از لباس‌های داخل مغازه یک لباس می‌آورد و مارکی را در داخل آن نشان می‌دهد و به اصل‌بودن آن اشاره می‌کند و یعنی «اگر این مارک را داشته باشد؛ یعنی آمریکایی اصل است».

تا اینجا متوجه شده‌ام بخشی از مشتریان عمده این اجناس و لباس‌ها و کفش‌های معروف به «آمریکایی»، ایرانی‌ها هستند. فروشندگان هم به خاطر شرایط امنیتی تا مرز ایران اجناس را می‌آورند. این جنس‌ها چینی هستند اما با قیمت لباس و کفش آمریکایی اصل به فروش می‌رسند. فروشندگان شارع‌البرید می‌گویند: «اکثر لباس‌هایی که در این فروشگاه‌ها به نام لوازم و لباس‌های آمریکایی به فروش می‌رسد، در واقع متعلق به کشورهای دیگر یا تولید چین هستند اما با مارک و عنوان آمریکایی به فروش می‌رسند، چون مشتری‌ها این‌گونه می‌خواهند».

در همین پیگیری‌ها معلوم می‌شود فروشندگان عراقی این خیابان، نمایندگی‌هایی در شهرهای بغداد و بصره یا اربیل دارند و تأکید می‌کنند: «اگر جنس اصل بخواهید، حتما می‌آوریم و هر جا بخواهید تحویل می‌دهیم». از یکی از فروشندگان می‌پرسم جنس اصل را از کجا می‌آورد که می‌گوید در انباری که سال‌های سال نیروهای آمریکایی لوازمشان را در آنجا نگه می‌داشتند، آشنا دارد و مستقیم اجناسش را برای مشتریان خاص از آنجا می‌آورد. اسمش سیدحیدر است و می‌گوید: «جوان‌های ایرانی که مشتری‌شان هستند، اکثرا دنبال پوتین‌ها می‌آیند و فروش پوتین صرفه مالی بیشتری هم دارد. ما پوتین‌ها را به اینجا می‌آوریم و با نام جنس اصل مثلا ۱۲۰ دلار می‌فروشیم و سود خوبی روی آن داریم. مشتری‌های ایرانی پوتین‌ها هم، این جنس را از اینجا یا شهرهای دیگر یا مرز مهران تحویل می‌گیرند و آنها هم تا جایی که من خبر دارم، با قیمتی چند برابر و خیلی بیشتر از ۱۲۰ دلار، به نام پوتین اصل آمریکایی، می‌فروشند». البته این بازار آمریکایی از نگاه بسیاری از ایرانی‌های مقیم عراق و خود عراقی‌ها مذموم است و اصرار دارند بگویند خیابانی به این نام وجود ندارد و این نام‌ها چندان میان مردم عراق متداول نیست. به‌هرحال لوازمی که در این خیابان به نام لباس و کفش و تجهیزات آمریکایی به فروش می‌رسد، استحکام، کیفیت و ظاهری متفاوت دارند و درحال‌حاضر موردتوجه بسیاری از زائرانی است که راهی عراق می‌شوند.موضوع تمایل و توجه جوانان ایرانی به این تجهیزات، لباس‌ها و کفش‌ها را از سال‌ها قبل فروشندگان بین‌المللی می‌دانند و به همین دلیل فروش این محصولات از هر نقطه‌ای در خاورمیانه که ارتش آمریکا در آن حضور داشته، متداول است؛ خواه عراق باشد، خواه افغانستان. حتی اگر همین حالا به بازار گمرک یا خیابان منیریه یا فروشگاه‌هایی از این دست مخصوصا در تهران سر بزنید، با این محصولات مواجه می‌شوید که در دسترس هستند و البته به دلیل قیمت بالا، هر کسی قدرت خرید آنها را ندارد. خریداران این محصولات بر اساس تجربه خود یا شنیده‌ها می‌دانند کیفیت این اجناس چه اصل، چه غیراصل (fake) بسیار بیشتر از محصولات دیگر است و به همین دلیل حتی اگر چند برابر قیمت آنها را تهیه کنند، ارزش دارد.

تأثیر زائران ایرانی روی حجاب زنان نجف و کربلا

همه زائران ایرانی عتبات عالیات، پیرزن‌ها و پیرمردهایی که حوصله و توان و انگیزه خریدهای بیرون از دایره اصلی اطراف حرم را نداشته باشند، نیستند. بسیاری از جوانان مسافر این سرزمین، دوست دارند غیر از محدوده زیارتی و اجناس درجه‌چندم، سراغ دیدنی‌های دیگر هم بروند و به حس ماجراجویی خود حتی در این کشور پر حادثه و خطر جواب دهند. واقعیت این است که کشور عراق در سال‌های بعد از حکومت بعث صدام حسین، غیر از شهرهای بغداد، بصره و اربیل که همیشه در مرکز تعاملات بوده، در شهرهای مذهبی خود که تعمدا در محدودیت بوده، دچار تحولات زیادی شده است. این تغییر در بیشتر موارد، نتیجه حضور ایرانی‌ها و البته آمریکایی‌هاست. تأثیر ایرانی‌ها از ابعاد مختلفی است و رد پای محصولات، پروژه‌ها و نیروی کار و در ادامه زائران روی بسیاری از رفتارها و عادت‌ها و خواسته‌های مردم عراق مشهود است.

بسیاری از عراقی‌ها، تغییر در پوشش و حجاب و حتی آرایش زنان و دختران و البته پوشش پسران این شهرها را نتیجه حضور زائران ایرانی می‌دانند و حتی با گله گاهی از این تغییر و تأثیر یاد می‌کنند. بیشتر کاروان‌ها، سه شهر نجف، کربلا و کاظمین را زیارت می‌کنند و با این شرایط می‌توانند مقایسه خوبی از تفاوت این شهرها داشته باشند.

تنها زمانی که نجف و کربلا را دیده باشید، تفاوت کاظمین و سامرا به چشم می‌آید. تغییر رفتار و پوشش جوانان و زنان این شهرها یکی از موارد کاملا مشهود است. یکی از فروشنده‌ها که من را با مسافران لبنانی اشتباه گرفته و به واسطه کار تجارتش، فارسی را هم با چند کلمه آشنا بلد است، می‌گوید: «قبلا وقتی نجف و کربلا می‌آمدید، همه خانم‌ها روبنده داشتند و حتی ایرانی‌ها هم روبنده می‌گذاشتند و جز رنگ مشکی، جرئت پوشیدن جوراب، شال و روسری یا پیراهن رنگی نداشتند اما حالا با روسری‌های رنگی زیر چادر کسی کاری به کارشان ندارد». بعد اضافه می‌کند: «همه‌اش به خاطر ایرانی‌هاست؛ آنها که می‌پوشند جوان‌ترها می‌بینند و می‌پوشند». فروشنده می‌گوید: «فقط هم در مورد زن‌ها نیست؛ مردان این شهرها قبلا فقط از همین پیراهن‌های بلند معروف به دشداشه می‌پوشیدند اما حالا تی‌شرت و شلوار لی هم می‌پوشند». این شرایط در کاظمین نیست و در همان خیابان اصلی منتهی به حرمین، نه‌تنها خانم‌هایی با شلوار و لباس کوتاه می‌بینم، بلکه با دیدن چند خانم بدون حجاب، متعجب می‌مانم. شخصا نمی‌دانستم در شهر کاظمین هم زن‌های بدون حجاب هستند. یکی از کارکنان هتلی که در آن اقامت داریم و مدت زیادی را در این شهرها بوده، می‌گوید: همین حالا نظافت شهر برای ما ایرانی‌ها قابل‌قبول نیست و دائم به مسافران توصیه می‌کنیم از هر جایی غذا و خوراکی و آب نگیرند و در شهر تردد نکنند تا بیمار نشوند، این‌قدر که همه جا کثیف و پر از زباله است. تازه همین آبخوری‌ها و سطل‌های زباله و... را ایرانی‌ها گذاشته‌اند تا در اربعین و سایر اوقات ایرانی‌ها کمتر اذیت شوند. وگرنه خودشان که اصلا لیوان یک‌بارمصرف استفاده نمی‌کردند».

کسانی که تا به حال به این شهرهای زیارتی سفر کرده باشند، به‌خوبی می‌توانند این مقایسه را حداقل از نظر نما و منظر شهری و جمع‌آوری زباله زهکشی و جداول و روشنایی معابر با شهری همچون کاظمین داشته باشند. یکی از عوامل تأثیرگذار طولانی‌مدت بر مردم عراق، حضور نیروهای آمریکایی در سال‌های اول اشغال عراق است؛ در کنار این حضور طولانی‌مدت همراه با سلطه، بسیاری از نیازهای آمریکایی‌ها در عراق تأمین شد و تبادل بسیاری از نیازها، زندگی و رویکردهای بسیاری از ساکنان شهرهای عراق را تغییر داده است.

حمله به گوجه‌سبزفروش‌های اتوبان آزادگان

صورت‌مسئله حل‌نشده دست‌فروشان بار دیگر خودش را در گوشه‌ای از شهر نشان داد. تاکنون موارد زیادی از برخوردهای خشن مأموران وابسته به شرکت‌های طرف قرارداد شهرداری با دست‌فروشان خبری شده است. اما این‌بار فیلمی از زدوخورد تعدادی از اراذل‌واوباش با تعدادی دست‌فروش که در اتوبان آزادگان میوه می‌فروختند به دست «شرق» رسید. اما در این فیلم آنچه عجیب است و به چشم می‌آید حضور ملموس مأموران و ماشین‌های شرکت شهربان است که پشت لباس آنها نوشته شده «طرح انضباط شهری». البته باید چند مأمور نیروی انتظامی را هم به این تجمع اضافه کرد. آن‌گونه‌که در تصاویر این فیلم مشهود است پیش‌تر گوجه‌سبز و چاقاله (میوه‌های فروشی) این افراد پخش خیابان شده و افراد چوب‌به‌دست که هیکل‌های ورزیده‌ای دارند این دست‌فروشان را با چوب‌های بلند و قطور به‌شدت کتک زده و الفاظ رکیکی استفاده می‌کنند. دست‌فروشان مضروب‌شده از این اراذل‌واوباش شکایت کرده‌اند و پیام درفشان، وکیلی که به‌طور اتفاقی با این چند نفر در دادسرا آشنا شده به «شرق» گفت: این چند دست‌فروش میوه را در دادسرا درحالی‌که سروصورتی خونی و کبود داشتند دیدم و از آنها علت را جویا شدم. این افراد مدعی هستند که تا هفته قبل، ماه‌ها در بخشی از ترافیک اتوبان آزادگان مشغول فروش میوه بین خودروها بوده‌اند و این بخش از اتوبان پاتوق این میوه‌فروشان بوده است. اما چند روز پیش ناگهان تعدادی افراد ورزیده و چوب‌به‌دست به آنها حمله‌ور شده و شروع به کتک‌زدن و به‌هم‌ریختن وسایل آنها می‌کنند».آن‌طورکه از صحنه‌های این فیلم مشخص است در لحظه شروع درگیری چندین خودرو متعلق به شهرداری که وظیفه‌اش برخورد با دست‌فروشان است نیز در صحنه حضور دارد و مأموران این شرکت هم آنجا دیده می‌شوند. درفشان می‌گوید: «این دست‌فروشان مدعی هستند که در این‌گونه موارد مأموران شهرداری خودشان دخالت نکرده و با واردکردن افرادی دیگر در این پاتوق‌ها این گروه‌ها را با هم درگیر کرده و در این مورد هم این دست‌فروشان را به جان هم انداخته‌اند».وی تأکید می‌کند با توجه به ادعای این افراد شکایت آنها به‌جز شکایت از افراد، باید شامل شکایت از شهردار منطقه و ناحیه در دادسرای جرایم کارکنان دولت هم شود تا بتوان این موضوع را به شکل ریشه‌ای حل کرد. درعین‌حال افکار عمومی باید متوجه این نوع از رفتارها بشوند. اگر حضور این افراد به عنوان دست‌فروش در این محل اشکال داشته چرا از ابتدا با آن برخورد نشده است و تنها در زمان امتناع و عدم همکاری به این چالش منجر شده!؟ این وکیل، پرونده این چند دست‌فروش را قبول کرده و با دراختیارگذاشتن فیلمی از آن روز که صحنه‌های ضرب‌وشتم را به‌وضوح نشان می‌دهد به «شرق» گفت: علاوه بر خسارت جانی، گویا حدود چهارمیلیون از پول و میوه این افراد که روزانه تهیه و فروخته و در پایان روز بین آنها تقسیم می‌شده، در همان درگیری از دست رفته یا از آنها گرفته شده که این موضوع هم پیگیری می‌شود. این اولین‌بار نیست که ماجرای درگیری مأموران شهرداری و دست‌فروشان خبری می‌شود؛ درگیری دست‌فروشان با مأموران شهرداری را بسیاری از شهروندان نیز بارها دیده‌اند اما طبق آنچه در این فیلم گویاست، تعدادی از اراذل‌واوباش با چوب و چماق به جان عده‌ای دیگر افتاده‌اند، درحالی‌که مأموران شهرداری با لباس‌هایی که پشت آن «طرح انضباط شهری» نوشته شده همراه نیروی انتظامی حضور دارند اما دخالتی در درگیری‌ها ندارند. در این فیلم کسانی که چوب و چماق دارند، اقدام به زدن چند نفر دیگر می‌کنند که حالا با این شکایت مشخص شده این چند نفر همان میوه‌فروشان هستند. بعد از ماجرای کارواش سعادت آباد و فیلمی که رفتار نامناسب مأموران شهرداری را نشان می‌داد، واکنش‌ها به این اتفاقات زیاد و تند بود و قول‌هایی برای اصلاح این شرایط داده شد. شهردار تهران به‌خاطر رفتار نامناسب مأموران عذرخواهی کرد و ابوالقاسم چیذری، مدیرعامل شرکت شهربان و حریم‌بان شهرداری تهران، از اخراج سه نفر از کارکنان شرکت شهربان که رفتار غیرحرفه‌ای داشته و با چماق وارد کارواش شدند و معلق از کارشدن دو نفری که با پا به در کوبیده بودند، خبر داد. وی درعین‌حال گفته بود از آذر سال ۹۳، حدود ۳۰۰ نفر از کارکنان خاطی شرکت شهربان و حریم‌بان شهرداری تهران پس از محاکمه اخراج شده‌اند و برخوردهای جدی و قاطع، تأثیرات مهمی را در طولانی‌مدت برای جلوگیری از درگیری‌های غیرقانونی خواهد داشت. اگرچه واکنش تعدادی از اعضای شورا در این موضوع حمایت از شهرداری و مأموران سد معبر بود، اما تعدادی دیگر مثل احمد حکیمی‌پور بر وجود فساد و نفع مالی تعدادی از مأموران سد معبر در نقاط مهم و شلوغ مثل بازار تهران یا میدان تجریش و... اذعان کرده است.

خبر

امنیت «شهر آفتاب» مورد تأیید است

● **ایسنا:** معاون امنیتی و انتظامی استانداری تهران با تأکید بر تلاش برای ایجاد تمهیدات لازم برای برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در «شهر آفتاب»، گفت: شهر آفتاب به‌لحاظ امنیتی و ایمنی در درجه قابل قبولی قرار دارد و استانداری آن را تأیید می‌کند. محسن همدانی گفت: در مجموعه شهر آفتاب هیچ‌گونه نگرانی امنیتی‌ای وجود ندارد و تنها برخی نگرانی‌های ایمنی پیش‌بینی می‌شود که قطعا با مساعدت دستگاه‌های متولی تا قبل از برگزاری نمایشگاه کتاب تهران مرتفع خواهد شد.وی افزود: در شهر آفتاب با برگزاری جلسات متعدد برای بهره‌برداری این مجموعه در زمان برگزاری نمایشگاه کتاب، حداکثر حالت مناسب امنیتی و ایمنی ایجاد شده است و امنیت فعلی این مجموعه در درجه قابل قبولی است؛ اما مطلوب و عالی نیست. وی تأکید کرد: متأسفانه این مجموعه به شرایط عالی ایمنی نرسیده؛ اما باید این موضوع را در نظر بگیریم که این اولین دوره برگزاری نمایشگاه در مجموعه است و بی‌تردید پس از برگزاری چند نمایشگاه در این جغرافیا ایرادها و ضعف‌ها مشخص و برطرف خواهند شد.

کاهش سن مصرف دخانیات در کشور

● **ایسنا:** رئیس جامعه متخصصان داخلی، ضمن هشدار درباره خطر افزایش سرطان در کشور، بالارفتن نرخ سالمندی را عامل مؤثری در ابتلا به این بیماری عنوان کرد. دکتر ایرج خسرونیا با بیان اینکه نرخ سرطان در کشور رو به افزایش است، اظهار کرد: سرطان در ایران روزبه‌روز افزایش پیدا می‌کند؛ اما نرخ آن به‌دلیل جوان‌بودن جمعیت کشور هنوز نسبت به کشورهای دیگر پایین است. وی افزود: درحال‌حاضر ۸.۶ جمعیت ایران را افراد مسن تشکیل می‌دهند که نسبت به سایر کشورها پایین‌تر است؛ اما در آینده‌ای نه‌چندان دور اگر این رقم به ۱۱ تا ۱۲ برسد، باید منتظر سرطان‌های بیشتری باشیم. رئیس جامعه متخصصان داخلی، استفاده از روغن‌های غیرعلمی اشباع، مواد شور، کنسرو، استعمال دخانیات، الکل، غذاهای پرچرب، آب نیترات‌دار و همچنین سبزی و میوه‌هایی را که از کودشیمیایی در پرورش آنها استفاده می‌شود، از عوامل بروز سرطان عنوان کرد. وی در ادامه، با تأکید بر اینکه سیگار مهم‌ترین عامل ایجاد سرطان است و باعث ابتلا به سرطان ریه، مثانه و پانکراس می‌شود، اظهار کرد: بسیاری از دانش‌آموزان از ۱۵ سالگی استعمال دخانیات به‌ویژه قلیان را امتحان می‌کنند، حتی برخی از آنها از شش یا هفت سالگی از قلیان استفاده می‌کنند؛ زیرا خانواده‌های آنها فکر می‌کنند که مضر نیست. رئیس جامعه متخصصان داخلی تأکید کرد: باتوجه به اینکه سن استفاده از دخانیات پایین آمده است، احتمال سرطان‌زایی هم بیشتر می‌شود. ما باید مانند سایر کشورها استفاده از روغن‌های غیرمعمولی را کاهش دهیم، به میزان زیاد کنسرو مصرف نکنیم و از مصرف ماهی دودی نیز خودداری کنیم.

خون‌هایی بدون هپاتیت وایدز در کشور

● **ایسنا:** مدیرعامل سازمان انتقال خون کشور، وضعیت دو شاخص سلامت خون در ایران را تشریح و درعین‌حال افزایش ۹۰ درصدی شمار اهداکنندگان مستمر خون را از اهداف سازمان انتقال خون عنوان کرد. دکتر علی‌اکبر پورفتح‌الله درباره میزان سلامت خون در کشور، گفت: خوشبختانه در زمینه سلامت خون و فراوردهای خونی، دستاوردهای بسیار خوبی را در کشور داشته‌ایم. او یکی از معیارهای سازمان بهداشت جهانی در زمینه سلامت خون را میزان شیوع بیماری‌های منتقله از طریق خون در جامعه اهداکننده خون، دانست و افزود: بر این اساس باید میزان شیوع بیماری‌های منتقله از طریق خون، مانند هپاتیت B، C و HIV، در جامعه اهداکننده خون پایین‌تر از جامعه طبیعی آن کشور باشد. پورفتح‌الله با تأکید بر اینکه در واقع اهداکنندگان خون باید از میان جمعیت سالم باشند، اظهار کرد: خوشبختانه ما در این زمینه دستاوردهای خوبی داشته‌ایم. درحال‌حاضر در کشور ما به‌طورکلی میانگین شیوع هپاتیت B، C وHIV در جامعه اهداکننده خون بیش از ۱۰ برابر کمتر از جامعه طبیعی‌مان است و خوشبختانه در پنج سال گذشته براساس اطلاعاتی که به دست آورده‌ایم، این روند سیر نزولی هم داشته است. او با بیان اینکه در این زمینه نیز سازمان انتقال خون ایران شاخص خوبی را به خود اختصاص داده، گفت: درحال‌حاضر میانگین کشوری در این زمینه به این صورت است که ۵۲ درصد اهداکنندگان خون در کشور، اهداکنندگان مستمر و با سابقه دوبار اهدای خون در سال هستند. بعلاوه سازمان انتقال خون می‌کوشد شاخص اهدای خون را تغییر دهد و به سمتی حرکت کند که بیش از ۹۰ درصد اهداکنندگان خون در کشور، اهداکننده مستمر باشند و ورودی اهدای خون از اهداکنندگان بار اول، به کمتر از ۱۰ درصد برسد.

بارکد: -۳۷۶۳۳۶۲ تاسیس شرکت سهامی خاص مشاوران آرام شبکه صبا در تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۰۸ به شماره ثبت ۴۸۷۹۹۹ به شناسه ملی ۱۴۰۰۵۶۵۲۵۳۳ ثبت و امضا ذیل دفاتر تکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میگردد. موضوع شرکت: فعالیت های اجرایی آموزشی درتمامی حیطه های مربوط به علوم رایانه ای به غیر از فعالیت های فرهنگی و هنری فعالیت های اجرایی آموزشی و مشاوره ای در حوزه های مرتبط به حفاظت اطلاعات و امنیت شبکه های رایانه ای اینترنت و اینترانت فعالیت در تمامی زمینه های مرتبط با تجارت الکترونیک انعقاد قرارداد با کتابخانه ها و مراکز اسناد جهت تهیه آرشیوهای دیجیتالی طراحی و ساخت برنامه های رایانه ای غیر فرهنگی و هنری طراحی و ساخت سایت ها پرتال ها و فروشگاه های مجازی درصورت ضرورت قانونی انجام موضوعات پس از اخذ مجوزهای لازم. مدت شرکت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود مرکزاصلی شرکت: تهران خیابان پاسداران بین سروستان سوم و چهارم پلاک ۵۷ واحد هشت کدپستی ۱۶۶۱۹۱۷۱۸۶ سرمایه شرکت: مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال منقسم به ۱۰۰۰ سهم ۱۰۰۰۰۰ ریالی سهم با نام می باشد که مبلغ ۳۵۰۰۰۰۰۰ ریال توسط موسسین طی گواهی بانکی شماره ۱۰۶۷/۲۷۱ مورخ ۹۴/۹/۱۷ نزد بانک پارسیان شعبه فلکه دوم نیروی هوایی پرداخت گردیده است والباقی سرمایه در تعهد صاحبان سهام می باشد. اولین مدیران شرکت: آقای حامد دروگر به شماره ملی ۰۰۸۲۷۵۶۵۱۱ به سمت عضو هیئت مدیره وآقای محمد دروگر به شماره ملی ۰۰۷۰۵۲۶۴۴۳ به سمت مدیرعامل و عضو هیئت مدیره و آقای علیرضا دروگر به شماره ملی ۰۰۴۷۰۰۲۹۸۰ به سمت رئیس هیئت مدیره و خانم معصومه بلوری به شماره ملی ۰۰۴۰۶۴۴۴۴۸ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره به مدت دو سال انتخاب گردیدند دارندگان حق امضا: کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک سفته بروات و قراردادها و عقود اسلامی با امضای مدیرعامل یا رئیس هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می باشد. اختیارات مدیرعامل: طبق اساسنامه بازرس اصلی وعلی البدل: آقای احمد فرهادی به شماره ملی ۲۶۴۸۷۲۲۳۸۶ به عنوان بازرس اصلی و آقای مجیدکرملی به شماره ملی ۴۹۹۹۶۵۶۷۰۱ به عنوان بازرس علی البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار شرق برای درج آگهی های شرکت انتخاب شد. ثبت موضوع فعالیت مذکور به منزله اخذ و صدور پروانه فعالیت نمی باشد. م/الف ۳۱۱۹۴۷

سازمان ثبت اسناد واملاک کشور اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری تهران